فهرست

[ادله خاص تربیت عبادی 2](#_Toc91248531)

[روایات 2](#_Toc91248532)

[قاعده اجلیّ 2](#_Toc91248533)

[روایت صحیحه معاویة بن وهب 4](#_Toc91248534)

[روایت صحیحه بزنطی 5](#_Toc91248535)

[بسترسازی برای نماز آموزی فرزند 6](#_Toc91248536)

[پاسخ به سؤالات 7](#_Toc91248537)

**اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم**

**بسم الله الرحمن الرحیم**

**الحمد لله رب العالمین**

**و صلاة و السلام علی سید الانبیاء و المرسلین ابی القاسم المصطفی محمد اللهم صل علی محمد و آله محمد و عجل فرجهم و علی آله الطیبین الطاهرین لا سیما بقیة الله فی الارضین**

# ادله خاص تربیت عبادی

# روایات

ادامه بحث را در بحث روایات پی می­گیریم روایتی که الان در متن گذاشتم روایت صحیحه حلبی هست گفتیم مجموعه روایاتی داریم که سن شروع آموزش نماز و مراحل آموزش نماز را تبیین کرده است به لحاظ فقهی و این آیات و روایت باید بررسی بشود.

شاید با این روایات برخورد داشته اید ولی از لحاظ فقهی شاید یک زوایای جدیدتری باز کنیم

این روایت شریفه سند معتبری دارد از بین روات این سند همه دارای توثیق خاص هستند به غیر از ابراهیم بن هاشم که در روایت آمده است عن ابیه علی بن ابراهیم عن ابیه یعنی ابراهیم بن هاشم هست ایشان بسیار کثیر الروایه هستند اکثر روایاتی که جناب علی بن ابراهیم نقل کرده اند از این پدر بزرگوارشان بوده است ایشان متاسفانه دارای توثیق خاص نیستند و در کتب رجالی ما به شکل خاص توثیق نشده اند در مورد توثیق ایشان بحث شده است بعضی از آقایان ایشان را به توثیق عام توثیق می­دانند به این شکل که می­گویند بر اساس مبانی مختلفی که دارند می­گویند ایشان چون جزو رجال کامل الزیاره هست کفایت می­کند که ایشان را تویثیق کنیم بعضی می­گویند جزو رجال تفسیر علی بن ابراهیم قمی هست کفایت می­کند بر اساس مبانی که دارند.

# قاعده اجلیّ

بعضی می­گویند قاعده اجلاّ را در مورد ایشان پیاده می­کنند مرحوم آیت الله تبریزی، قاعده اجلاّ می­گوید اگر کسی کثیر الروایه بود روایت متعدد نقل کرده بود و در مورد ایشان هیچ قدحی هم وارد نشده بود چه در روایت و چه در غیر روایات چه در بحثهای رجالی هیچ قدحی وارد نشده بود همین کفایه می­کند عدم قدح و کثیر الروایه بودن که ایشان جزو موثقین محسوب بشود

حالا بعضی میگویند نقل علی بن ابراهیم از ایشان شاید بشود توثیق ایشان شاید بشود گفت بر اساس نظر برگزیده هیچ کدام از این دلائلی که ذکر شد برای توثیق ایشان کفایت نمی کند ولی از مجموعه قرائن و دلائل شاید به این برسیم که ایشان شخصی موثق هست و قابل اعتماد بوده و به روایاتی که ایشان نقل کرده است می­شود تکیه و استناد کرد.

پس این روایت بر این تحلیل کردم و با آن توثیقات خاصه سایر روایات و توثیقات عامه ای که جناب ابراهیم بن هاشم دارد این روایت صحیحه می­شود و روایت بسیار پر برکتی است.

مضمون روایت این است که می­فرماید ﴿ **إِنَّا نَأْمُرُ صِبْيَانَنَا بِالصَّلَاةِ إِذَا كَانُوا بَنِي خَمْسِ سِنِينَ فَمُرُوا صِبْيَانَكُمْ بِالصَّلَاةِ إِذَا كَانُوا بَنِي سَبْعِ سِنِين‏**‏[[1]](#footnote-1)﴾ موقعی که سن بچه های ما پنج سال هست سیره ما این است و ما بر این اساس که در بحث سیره از این نکته استفاده کردم، پس بچه هایتان را امر کنید به نماز وقتی هفت ساله هستند.

در بعضی روایات بحث سن را که مطرح می­کند سن شش سالگی را مطرح می­کند ما فعلاً این روایت را بحث کنیم اینجا تعبیر که به کار برده شده است اولا امر است و امر دلالت بر وجوب می­کند

مخاطب این روایات اگر چه تعابیر به شکل مذکر آمده است ولی مخاطب این روایات مادران محترم هستند یعنی هم پردان و هم ماران را شامل می­شود

نکته سوم اینکه امر به امر این ﴿**فَمُرُوا صِبْيَانَكُمْ بِالصَّلَاةِ**﴾ در مورد بچه های مکلف که مشخص است اما در اینجا سن آمدن است پس بچه غیر مکلف است و چه دختر و چه پسر به سن تکلیف نرسده اند. دخترخانم ها نُه سال و آقا پسرها 15 سال قمری هست بر اساس سن حساب کنیم اگر آن شرایط دیگر را بخواهیم لحاظ کنیم ممکن است برای بعضی مخصوصاً برای آقا پسرها زودتر باشد

نکته ای که در اینجا هست این است که الصلاة که آمده به قرینه مروا که آمده است اینجا منظور صلات های واجب هست و صلات مستحبی از این دایره خارج است.

نکته بعدی صبیان آمده است هم صبی را شامل می­شود و هم صبیه را شامل می­شود و امر به نماز در مورد همه اینها مشول این قاعده می­شود و امر به نماز باید برای همه اینها محقق بشود.

برای پدر و مادر واجب است که بچه هایشان را امر به نماز داشته باشند ولی آیا امر به امر بر اساس آن نظر برگزیده آیا دال بر وجوب است ؟ می­گویم خیر چون اینجا بچه مکلف هست و بچه به سن تکلیف نرسیده است این وجوب در حق ایشان محقق نشده است ولی بر اساس مبنای بر گزیده در مورد بعضی می­گویند اینجا تمرینی می­شود و نه ثوابی دارد و اگر ترک کند عقابی هم ندارد.

بر اساس مبنای برگزیده اینجا اگر چه بچه مکلف نیست اما اتیان به تکالیف دینی بر او ثوابی می­تواند در پی داشته باشد و اینجا ایتان به صلاة استحباب را می­تواند داشته باشد و برای ایشان ثواب ثبت می­شود.

در کتاب تربیت عبادی حضرت استاد اعرافی ورود کرده است در تربیت فرزند با رویکرد فقهی هم ورود کرده است ولی بحثهای خیلی تفصیلی دارد و در امر به امر در درس خارج فکر کنم بحث کرده اند.

نکته بعد اینکه نکته دیگری که از این روایت شریف می­شود استفاده کرد این است که آیا امر اینجا موضوعیت دارد یا خیر،

گفتیم که اینجا امر به نماز، مقدمه اش آموزش نماز است نمی شود به بچه نماز را یاد نداد و نما اموزی در مورد فرزند محقق نشده باشد بعد امر به نماز کنیم. مقدمه این امر به نماز آموزش نماز است و نماز را اجمالا به تناسب سن او و احکام و شرایط و وضو و طهارت را آموزش بدهیم این نکته باید توجه بشود

البته این را کسی نمی تواند ادعا کند که کل مسائل نماز را قبل از سن هفت سالگی به بچه یاد بدهیم در اثنای امر به نماز بخشی احکام نماز را که یک خرده دقیق تر که نیاز به ممارست و مداومت هست در حین کار می­شود به او آموزش داد.

اما کلیت نماز، اجمال نماز و احکام عمومی نماز را قبل از امر نماز طبیعتاً به عنوان مقدمه واجب والدین به بچه ها یاد بدهند.

نکته دیگر در مورد این روایت شریفه تعبیر ﴿**حَتَّى يَتَعَوَّدُوا**﴾ که در ادامه روایت آمده است البته در مورد صوم آمده است ولی این تعبد و عادت دهی جزو حکمت و دلیل همه این فرایند امر به نماز است که باید محقق بشود

این نکته بعد است که باید توجه داشته باشیم که ﴿**حَتَّى يَتَعَوَّدُوا**﴾ در بخش فراز دوم روایت بخش روزه هست که می­فرماید ما بچه هایمان را از هفت سالگی امر به روزه می­کنیم شما نُه سالگی امر به روزه کنید اگر شرایط سخت شد آنها افطار بکنند هدف هم در ادامه می­فرماید ﴿**حَتَّى يَتَعَوَّدُوا**﴾ تا عادت بکنند

در نماز همین جکمت جاری و ساری است و طبیعتاً تمام فرایندی که قبل از تکلیف، این است که همه بچه ها قبل از اینکه به سن تکلیف برسند و نماز و روزه بر آنها واجب بشود امادگی نسبی نسبت به اصل اتیان نماز و نسبت به حدود و ثغور و احکام و شرایع امادگی نسبی داشته باشند و خدای ناکرده بعد از سن تکلیف به علت ندانستن بعضی از احکام نمازان فوت نشود یا اگر نماز را اتیان و ادعا می­کنند نماز را ناقص نخوانند و نیاز به اعاده نماز پیش نیاید.

اینجا باز می­بینیم تعبیر به امر آمده است « مروا » اورده است به تناسب اینکه بچه نماز بر او واجب نیست از این برداشت می­شود کرد که امر در حد زبانی است و بیش از امر زبانی که مرتبه خفیفه الزام و اجبار هست با تحلیلی که گفتیم این با آن سازگار هست و فراتر از آن که اجبار متوسط و اجبار شدید هست و با آنها نسبتی نمی تواند داشته باشد.

# روایت صحیحه معاویة بن وهب

تعبیر صحیحه معاویة بن وهب قدری متفاوت است از این روایت در آنجا در این روایت معاویة بن وهب که سند معتبری دارد آقای معاویه از امام صادق علیه السلام سؤال می­کند ﴿ **فِي كَمْ يُؤْخَذُ الصَّبِيُّ بِالصَّلَاةِ فَقَالَ فِيمَا بَيْنَ سَبْعِ سِنِينَ وَ سِتِّ سِنِينَ** [[2]](#footnote-2)﴾ در چه سنی بچه ها اخذ به نماز می­شوند ؟ در این فراز از حضرت سؤال می­کند و حضرت در پاسخ می­فرماید در بین سن شش سالگی و هفت سالگی در این سنین اخذ به نماز می­شود

در مفهوم شناسی این بحث مواخذه را اشاره کردیم که پیگیری کردن و بازخواست کردن و حتی عقاب و تنبیه کردن در این مفهوم می­گنجد بر اساس کاربردهای لغوی و در آیات قرآن می­شود این معانی را برداشت کرد طبیتعاً به تناسب این سنی که اینجا مطرح هست مواخذه در اینجا در حد بازخواست و درخواست کردن است یعنی امر صورت گرفته است و در کنارش مطالبه نماز و پیگیری کردن و همان مراتب خفیفه مواخذه که در حد اینکه رو ترش کردن و در حد ابراز نگرانی کردن و چنین اموری خیلی حداقلی به تناسب مواخذه برای سنین بالاتر تعریف شده است

# روایت صحیحه بزنطی

از امام رضا علیه السلام آقای بزنطی محمد بن نصر بزنطی نقل می­کند که ﴿**قَالَ: يُؤْخَذُ الْغُلَامُ بِالصَّلَاةِ وَ هُوَ ابْنُ سَبْعِ سِنِين**[[3]](#footnote-3)**‏**﴾ تعبیر غلام اورده است که خصوصیت ندارد و شامل دختر خانم ها هم می­شود و اینجا تعبیر سن هفت سالگی آمده است.

روایت بعدی سن بحث مواخذه را سن هشت سال آورده است

تعبیری که حضرت به کار برده است روایت در حدیث اربع مأئه آمده است البته سند خوبی ندارد متاسفانه در مورد کیفیت سند این و در مورد تصحیح سند این روایت شریف که مضامین بسیار عالی دارد بحث های مبسوطی شده است ولی ما حصل این است که نمی شود به این روایت شریفه اطمینان پیدا کرد

حدیث اربع مائه از آقا امیرالمؤمنین است نقل می­کند از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلّم ﴿ **عَلِّمُوا صِبْيَانَكُمُ الصَّلَاةَ وَ خُذُوهُمْ بِهَا إِذَا بَلَغُوا ثَمَانِيَ سِنِين‏‏**[[4]](#footnote-4)**‏**﴾ به بچه های خود نماز را یاد بدهید موقعی که بچه هایتان هشت ساله شدند اخذ به نماز کنید همان مطالبه اینجا هم بحث مواخذه بر نماز مطرح می­شود که سن هشت سالگی را مطرح کرده است

مجموع این روایات شش هفت و هشت سال در روایت در بحث مواخذه آمده است. مفهوم مواخذه را هم گفتیم که دارای مراتب خفیفه هست یعنی یک مفهوم مشککی هست که از حداقل ها که رو ترش کردن هست ابراز نگرانی لفظی هست تا مراتب عالی مواخذه که تنبیه منجر می­شود همه اینها عقوبت تنبیه منمجر می­شود همه این مراتب را شامل می­شود

یک احتمال هست که این تفاوت سن هایی که در این روایات شریف آمده است این به تفاوت فردی و فرهنگی و شرایط هر کدام از بچه ها بر می­گردد.

مثلاً بچه ای که در خانواده روحانی با پدر و مادر هماهنگ و شرایط عالی رشد و نمو پیدا می­کند نسبت به نماز اموزی شرایط بسیار مساعد تری نسبت بهبچه ای که در خانوده ای که نا هماهنگی وجود دارد یا خانواده ای که نسبت به نماز کاهل است یا در یک خانواده ای هستند که تازه مسلمان هستند.

شرایط متفاوت است شاید این تفاوت سن ها به تفاوت فردی برگشت داشته باشد و شاید هم این شش و هفت و هشت می­خواهد بگوید در سن پایین مرتبه خفیف مواخذه را داشته باش، همین که پیگیری کنی که نماز را سر وقت بخواند باز خواست کنی و طلب کنی، در هفت سالگی که سن بالاتر رفته است و از او طلب کنی رو ترش کنی، ابراز ناراحتی در ظاهر بکنی و در مراتب بالاتر در هشت سالگی و به بعد مثلاً بعضی از عقوبت ها و تنبیه های ظاهری (منظور از تنبیه تمام انواع آن) بعضی از شئون آن را تعریف کردم در مورد مواخذه.

از مجموع این ادله در مورد آموزش نماز به فرزندان و ادله دیگر می­شود برداشت کرد که امر به نماز به فرزندان مساوی اجبار به نماز نیست، مواخذه فرزندان در مورد نماز مساوی با اجبار نیست در همه اینها اموری هستند که باید به شکلی انجام بشوند که با اختیار و رغبت و توجه و میل متربیان این کار محقق بشود و حتی آن روایاتی که بحث تنبیه را مطرح می­کند حالا فارغ از اینکه آن روایات سند معتبری ندارد بر فرض صحت سندی بگوییم از صعف سند آنها عبور بکنیم بحث جواز تنبیه را مطرح می­کند و تنبیه معنای لغوی اش بیدار سازی و خارج کردن از غفلت است بعضی از فقها در رساله هایشان بحث جواز ضرب کودک را قبل از تکلیف به خاطر ترک نماز مطرح کرده اند و گفته اند تنبیه باید به جوری باشد که به د دیه نرسد و چند ضرب آرام، تعدا مشخص کرده اند و آن هم آرام، بر اساس برخی از روایات بر اساس اختلاف مبنا.

پس اینها همه جواز تنبیه است و بعد هم آن شرایط و حواشی و مقدمه و موخره های تربیتی را باید مد نظر قرار بدهیم

ادعای اینکه الزام و اجبار و سخت گیری بی حد و اندازه در فرایند تربیت در فرایند تربیت عبادی به طور خاص در آموزش مناسک و به ویژه در نماز اموزی جزو فرهنگ دینی هست این ادعا پذیرفته نیست

# بسترسازی برای نماز آموزی فرزند

فراهم آوری تمام بسترهای لازم برای نماز اموزی فرزندان؛ از بستر سازی محیطی، از آماده سازی فضای خانه و خانواده از توجه به روش الگویی که آیه شریفه می­فرماید ﴿**وَ اصْطَبِرْ عَلَيْها**﴾ خودت بر نماز پایدار باش و اصطبار داشته باش اینها بحث روش الگویی بحث استفاده از روشهای متنوع و متکثر در آموزش نماز.

تمام شرایط و تمهیدات لازم در تربیت عبادی به طور خاص در آموزش نماز باید فراهم بشود بعد در این بستر امر به نماز معنا پیدا می­کند در مواخذه به نماز معنا پیدا می­کند دعوت به نماز پیدا می­کند بعد از آن اگر خدای نکرده ترک در نماز باشد شائبه استخفاف نماز، یا کاهل نمازی یا تارک الصلاة بودن مطرح بشود آن مراحل بعدی است که زیر مجموعه امر به معروف و نهی از منکر قرار می­گیرد. ممکن است وارد بشود حالت های شدیده امر به معروف در اینجا وارد بشود که بحث بعدی است. بر اساس ادله خاصه خود در بحث امر به معروف مطرح می­شود حتی بیدار کردن متربی برای نماز صبح یکی از مشکلات خانواده ها می­باشد می­بیند بچه نماز ظهر و مغرب و عشا را خوب می­خواند به موقع می­خواند توجه دارد ولی نماز صبح با توجه به سن او که وقت خواب است و خواب شیرین، این از مشکلات خانوده هاست، اصل این بیدار کردن جایز است یا جایز نیست باید ورود کرد یا نکرد، دوست عزیز ما در کتاب دعوت به نماز مفصل ورود کرده است بحث کرده است در انتشارات ستاد اقامه نماز چاپ شده است خلاصه بخواهیم بگویم در بحث بیدار کردن متربی برای نماز خود اماده سازی شرایط بسیار مهم است.

به بچه اجازه داده شود تا دیر وقت تلویزیون نگاه بکند بعد از آن طرف شام را دیر بخواند و رغبت به خواب ندارد بعد توقع داشته باشیم بچه به موقع بخوابد و صبح هم صدا می­زنیم به موقع بیدار بشود.

خودش هم رغبت به بیدار شدن دارد ولی شرایط سن نوجوانی، دیر خوابیدن معده سنگین و در طول روز هم استراحت کافی نداشته باشد همه اینها دست به دست هم می­دهد و صبح هم توقع داریم به موقع بیدار بشود و صدا می­زنیم برای نماز صبح با رغبت بیدار بشود.

خود تمیهدات هم بسیار در فضای خانه و خانواده اقتدار والدین در عین محبت بسیار مؤثر است در فراهم سازی شرایط در نماز خوان بودن و توجه به این فریضه مهم و حیاتی.

مباحثی که گفتم از چند کتاب مباحث فقه تربیتی انتخاب کرده بودم، یک کتاب جلد 20 فقه تربیتی تربیت عبادی هست و تک نگاره های فقه تربیتی کتاب روشهای تربیت فصل سوم الزام و اجبار در تربیت بحثهایی را گفتم

کتاب تربیت فرزند با رویکرد فقهی فصل تربیت عبادی را گفتم

و کتاب دعوت به نماز جناب آقای دکتر موسوی که چاپ آن سه کتاب اول را انتشارات اشراق و عرفان چاپ کرده بود و این کتاب آقای دکتر موسوی را مجموعه دیگری چاپ کرده است موسسه ستاد اقامه نماز هست

بحثها بسیار جسته و گریخته بود مجبور بودن بعضی از بحثهای مهم را از آنها صرف نظر کنم.

# پاسخ به سؤالات

یک وقت ما مامور به امر هستیم یعنی همین که در امر به معروف و نهی از منکر یک فتوایی مقام معظم رهبری دارند که این امر زبانی در جامعه حاکم بشود خیلی وقتها نیاز به ورود به مراتب بعدی امر به معروف نیست خود این امر به نماز با مقدمات و موخرات در خانه و خانواده صورت بگیرد مثلاً مادر خانواده امر به نماز می­کند می­بینید أثر کم شده است به پدر خانواده می­گوید شما هم یک تذکر بدهید بعد یک وقتهایی مثلاً خودش مستقیم امر نمی کند مثلاً برادر کوچک که شیرین زبان است به او می­گوید به داداش بگو بیاید نماز بخوان. یعنی با واسطه های مختلف این امر را محقق می­کند چرا کم کم در سنینی پایین امر به نماز قبل از سن تکلیف است این امر به نماز قبل از سن تکلیف عادت دهی است بعد در سنین بالاتر اگر تمهید مقدمات صورت گرفته باشد بچه باید قبل از سن تکلیف برنامه نماز برای او ملکه شده باشد و عادت شده باشد و به این نماز انس گرفته باشد و اگر بعد از آن می­بینید که نماز حالا قضا نمی شود ولی اول وقت نمی خواند اشکال ندارد اول وقت خواندن مستحب است بحث این است که امر به نماز مستلزم اجبار در نماز نیست نکته اول، نکته بعد این که بخشهای انتخاب شده را خدمتنان می­فرستم.

در سنین اینکه توصیه دینی در سنین پایین موجب زدگی بچه ها می­شود

بستگی دارد به چه شکل مطرح بشود اگر توصیه های دینی را حتی در سنین بالا به شکل نامناسب برای کسی تبیین بشود و ارائه بشود و به کسی گوشزد بشود حتی بزرگترها هم ممکن است دلزده بشوند

ولی اگر به شکل متناسب با سن و با بکار گیری روش های متناسب سن بچه ها بیان بشود که جذابیت هست بچه ها حسی هستند بچه ها احساسی و عاطفی هستند از این پنجره ها ورود بشود بسیار جذاب است

چرا بچه ها از سریالها کارتون ها و برنامه ها سیر نمی شوند چون از پنجره های ذهنی و روحی بچه ها وارد می­شوند از آن زاویه هایی وارد می­شوند که رغبت هست و علاقه دارند

بحث موسیقی حکمش مشخص است موسیقی حلال و حرام هست باید طبق حکم مرجع تقلید خود و بچه های خود باید عمل کرد اگر محرز بشود که موسیقی حرام هست بحث امر به معروف مطرح می­شود با آن رعایت شرایط و مراتب

صرف علاقه به موسیقی طبق فتوای آقایان مراجعه، دلیل بر نقصان و ضعف نیست شرایط و موقعیت را باید در نظر گرفت نظر مرجع تقلید شما در درجه اول قرار دارد

فقه تربیتی در روشها هم ورود می­کند در این بحث تربیت عبادی فرصت نشد به روشها هم ورود بکنیم بعضی از روشها را گفتیم روش امر به معروف را گفتیم و سایر روشهای موثر را گفتیم حتی روش مواخذه و تنبیه یک روش تربیتی است اینها را اشاره کردیم و سایر روشها هم مطرح می­شود و نمونه هایی هم در تربیت عبادی دارد چه در بحث سیره و چه در غیر سیره، رویه این است که در حوزه روشها یعنی نگاه عملیاتی به عرصه تربیت این نگاه عملیاتی باید وجود داشته باشد که دارد این کتاب تربیت اخلاقی که به زودی می­آید بیرون حدود یک سوم کتاب در مورد روشهای تربیت اخلاقی است در روش تربیت اخلاق از روشهایی است که بعضی هایش روش ویژه تربیت اخلاقی است و بعضی روش مشترک است پس در این حوزه هم ورود داریم و بحث داریم.

1. - الکافی، ج 3، ص 409 [↑](#footnote-ref-1)
2. - وسائل الشیعه ج 4، ص 18 [↑](#footnote-ref-2)
3. - وسائل الشیعه ج 20، ص 229 [↑](#footnote-ref-3)
4. - وسائل الشیعه ج 4، ص 21 [↑](#footnote-ref-4)